

پناهندگی یک از بزرگ‌ترین معضل پناهجویان!

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

میلیون‌ها نفر در اثر جنگ‌های قومی، ملی، مذهبی، سرکوب‌های سیاسی و اجتماعی از کشور خود می‌گریزند تا به یک زندگی عادی و آرام انسانی دست پیدا کنند، در چهار گوشه جهان پراکنده‌اند. بنا به قوانین و میثاق‌های بین‌المللی جهان‌شمول، به ویژه کنوانسیون ژنو، همه افرادی که از سرکوب‌های سیاسی، تبعیض‌های قومی، ملی و ستم جنسی می‌گریزند باید به عنوان پناهنده به رسمیت شناخته شوند. اما اکنون سال‌هاست که کنوانسیون ژنو، با توطئه دولت‌های پناهنده‌پذیر به آرشیو تاریخ سپرده شده است.

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، وظیفه دارد به مسائل و معضلات و مشکلات پناهجویان رسیدگی کند، در حالی که مصالح و منافع دولت‌ها را در نظر می‌گیرد و رسماً و علناً از مسئولیت خود در قبال پناهجویان شانه خالی می‌کند. مهم‌تر این که بیش از یک دهه است سازمان ملل متحد، به عنوان ابزاری در دست دولت ایالات متحده آمریکا، به صدور قطنامه‌هایی مبنی بر تحریم اقتصادی و لشکرکشی به این و یا آن کشور است. پس از یوگسلاوی و افغانستان، اکنون نیز نوبت عراق رسیده است فردا معلوم نیست مردم کدام کشور، آماج حمله نظامی آمریکا و متحدانش با قطعنامه‌های سازمان ملل قرار خواهند گرفت؟!

در چنین شرایطی رژیم‌هایی نظیر جمهوری اسلامی، که با اتکا به قوانین غیرانسانی و پوسیده ۱۴۰۰ سال پیش انسان‌های اولیه، جهنمی در ایران برپا کرده است که گریختن از آن مشغله بخش عظیمی از مردم این کشور، به ویژه زنان و جوانان را گرفته است.

زنان در حاکمیت جمهوری اسلامی، حتا از ابتدایی‌ترین حقوق خود، یعنی حتا تعیین مدل و رنگ لباس خود محرومند و رژیم تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد که زنان را از همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی دور سازد. قوانین وحشی اسلامی و مردسالاری، یک نظام آپارتاید جنسی را در ایران حاکم کرده است.

جوانان، از پیدا کردن کار و زندگی مستقل، در حاکمیت خونین جمهوری اسلامی، ناامید شده‌اند و هر گونه حرکت‌های اعتراضی آن‌ها در خیابان‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها به وحشیانه‌ترین شکلی سرکوب می‌شود.

کارگران، به شدت استثمار می‌گردند و حتا دستمزد ناچیز آن‌ها توسط کارفرمایان و رژیم‌شان پرداخت نمی‌شود و همواره اعتصاب، اعتراض و راهپیمایی کارگران، مورد هجوم بی‌رحمانه نیروهای انتظامی قرار می‌گیرد.

اختناق و سانسور در ایران غوغا می‌کند. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، از سوی روزنامه‌نگاران بدون مرز، به عنوان یک رهبر ضدآزادی بیان و قلم در جهان معرفی شده است. قبل از او نیز خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، فرمان ترور سلمان رشدی، شهروند انگلیسی را به دلیل نوشتن کتاب «آیات شیطانی» صادر کرده بود که تاکنون هنوز هم این فتوای تروریستی از سوی سردمداران جمهوری اسلامی لغو نشده است. در ایران، نویسندگان و روزنامه‌نگاران هیچ‌گونه امنیت جانی و شغلی ندارند. مختاری‌ها و پوینده‌ها نمونه‌ای از ده‌ها نویسنده مترقی و متعهد بودند که نخست توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، ربوده شدند و سپس با تحمل شکنجه‌های فراوان به قتل رسیدند.

رژیم جمهوری اسلامی، برای ادامه حاکمیت خونین و ستم‌گر خود بیش از یک صد هزار انسان را از پیر و جوان و زن و مرد اعدام کرده است و هنوز هم این عمل غیرانسانی را با شدت تمام ادامه می‌دهد و روزی نیست که خبر اعدام در زندان‌ها و میادین شهرهای ایران به گوش نرسد. بیش از ۲۲ سال است که فعالیت سازمان‌های سیاسی مخالف رژیم، در ایران ممنوع است و فعالین سازمان‌های سیاسی در خارج کشور نیز مورد حمله تروریست‌های جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند. تاکنون صدها نفر از فعالین سیاسی در خارج کشور ترور شده‌اند. غلام کشاورز، شاپور بختیار، فریدون فرخزاد، شرفکندی و همراهانش، قاسملو، رجوی، صدیق کمانگر و دیگران توسط تروریست‌های جمهوری اسلامی ترور شده‌اند.

در چنین وضعیتی بین سه الی چهار میلیون ایرانی، اجبارا ایران را ترک کرده‌اند و در کشورهای جهان پراکنده‌اند. اما، به یک آرامش و زندگی عادی دست پیدا کرده‌اند، در حالی که متأسفانه در کشورهای همجوار ایران، مانند عراق، پاکستان و ترکیه، هزاران پناهجو در انتظار انتقال به یکی از کشورهای پناهنده‌پذیر به سر می‌برند و واقعا زندگی فلاکت‌بار و سختی دارند. بارها خبر دیپورت این انسان‌ها به جهنم جمهوری اسلامی و یا خودکشی از یاس و ناامیدی آن‌ها منتشر شده است. نمونه آخر خودکشی دو پناهجو در شب پنج‌شنبه ۳۰ ژانویه ۲۰۰۳ بود. حدود دو ماه پیش نیز پناهجوی دیگری در این کشور خودکشی کرد.

دفتر کمیساریای عالی پناهندگان شعبه سازمان ملل شعبه آنکارا و دولت ترکیه، نه تنها استانداردهای موجود قوانین بین‌المللی، در قبال پناهجویان را رعایت نمی‌کنند، بلکه به عناوین مختلف نیز آن‌ها را مورد آزار و تحقیر قرار می‌دهند. از این رو پناهجویان در این کشور در شرایط بسیار ناگواری به

سر می برند.

تنها راهی که در پیش پای احزاب و سازمان‌ها و نهادهای چپ و کمونیست، همچنین انسان‌های آزادی‌خواه، چپ و انسان‌دوست باقی می‌ماند، این است که حمایت همه‌جانبه سیاسی و مالی پیگیر از حقوق انسانی و اجتماعی پناهجویان کنند. همچنین خود پناهجویان نیز باید متشکل متحد شوند و به جای انزوا و در خود رفتن و فکر کردن به خودکشی با همبستگی خود دست به مبارزه بزنند. از خودکشی پناهندگان فقط رژیم‌هایی از نوع جمهوری اسلامی و فاشیست‌ها خوشحال می‌شوند. بنابراین نباید پناهجویان با دست زدن به خودکشی باعث خوشحالی دشمنان خود شوند.

مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و افشای جنایات این رژیم، مبارزه علیه تضيیقات «یو. ان» و تحت فشار قرار دادن دولت ترکیه و دولت‌های «متمدن» غرب برای پذیرش پناهجویان و حمایت‌های اقتصادی کاری است که با تلاش و مبارزه پناهجویان و پناهندگان و حامیان انسان‌دوست آن‌ها امکان‌پذیر است. مبارزه و فعالیت در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، اولین قدم برای دفاع از حق پناهندگی است.

نباید گذاشت دولت‌ها پناهجویان و حق پناهندگی را فدای معاملات کثیف و غیرانسانی اقتصادی و سیاسی خود بکنند.

۲ فوریه ۲۰۰۳

توضیح: این مطلب روز یک‌شنبه دوم فوریه ۲۰۰۳ از رادیو زنان در استکهلم پخش شده است.